

اهمیت وزارت خارجه به عنوان سرمایه ملی

اکنون بعد از ۴۵ سال ضرورت دارد که به باز بینی آنچه بر وزارت خارجه گذشت و آنچه باید در آینده طی کند، پرداخته شود. بر آمدن مسعود پزشکیان و حضور نیروهایی توانا چون محمدجواد ظریف (من از منتقدین دوره هشت ساله وزارت او هستم)، عباس عراقچی، علی طیب نیا و... این امید را در دلها ایجاد کرده که گوش های شنوایی برای شنیدن و به کار بستن پیشنهادات خیرخواهانه پیدا شده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، محمد حسین بنی اسدی، دیپلمات بازنشسته و کارشناس سیاست خارجی در یادداشتی نوشت:

وزارت امورخارجه ایران قبل از انقلاب دارای بدنه کارشناسی قوی و متخصصی بود که بعد از انقلاب مانند ارتش دچار صدمات و لطماتی شد. عده‌ای از کارشناسان در خارج ماندند، عده ای تسویه و تصفیه شده و عده ای دیگر نیز منزوی و حاشیه‌نشین شدند. شرایط ویژه انقلاب و بی تجربگی مدیران ارشد و بعضاً احساسی و سلیقه‌ای عمل کردن آنان نیز مزید بر علت شد و لطمه های وارد شده به وزارت خارجه را مضاعف کرد. در این میان نادیده گرفتن اساسنامه وزارت خارجه و بعضاً حسادت برخی از اعضای تیم جدید نو رسیده نیز که بروز و ظهور خود را با حضور کارشناسان با تجربه قدیمی ممکن نمی دید و از طرفی مدرک دانشگاهی و سواد زبان خارجی هم نداشت با انگهایی چون «طاغوتی» به قدیمی ها آتش بیار معرکه در حاشیه نشین کردن قدیمی ها شد. متأسفانه این خشت کج اولیه پایه های وزارت خارجه را کج نهاد به گونه ای که بعضاً هنوز نیز ادامه دارد و علیرغم تلاش های بعدی و آموزش کادر جدید و تزریق نیروهای تحصیل کرده هنوز وزارت خارجه به بهبود کامل نرسیده است.

طی مدت ۴۵ ساله با حضور وزاری با رشته های غیرمطلوب مانند پزشکی و بعضاً فاقد تحصیلات دانشگاهی در حد دیپلم، این وزارتخانه مهم مثل شرکت سهامی به صورت گعده، قبیله ای و گروهی مدیریت شد و معاونین با تحصیلات در حد ششم ابتدایی، فوق دیپلم علوم آموزشگاهی و فوق دیپلم هنرستان صنعتی و بسیاری رشته های نامرتب دیگر، زمام امور را در دست گرفتند.

متأسفانه یکی از آفت هایی که بر این وزارتخانه مهم تحمیل کردند حامی پروری، ایجاد حاشیه ای برای خود با تزریق نیروهای غیرمتخصص و توجیه غیر کارشناس بودن خود و ایجاد قبیله و گروه های هم محلی و هم دوره ای خود بود به طوری که برخی از این واژه ها مثل تیم رستم آباد، تیم نیویورک و تیم هندی‌ها وارد لغتنامه وزارت خارجه شده است.

اکنون بعد از ۴۵ سال ضرورت دارد که به باز بینی آنچه بر وزارت خارجه گذشت و آنچه باید در آینده طی کند، پرداخته شود. بر آمدن مسعود پزشکیان و حضور نیروهایی توانا چون محمدجواد ظریف (من از منتقدین دوره هشت ساله وزارت او هستم)، عباس عراقچی، علی طیب نیا و... این امید را در دلها ایجاد کرده که گوش های شنوایی برای شنیدن و به کار بستن پیشنهادات خیرخواهانه پیدا شده است.

اقدام شایسته مسعود پزشکیان در تیم محدود ۱۲ نفره از نخبگان در سفر به نیویورک قابل تقدیر است، این در حالی اسن که پیشینیان لشکر سلم و تور و دختر و پسر و دامادها و عروسها و خویشاوندان خود را به هزینه مردم ایران در قالب تورهای گردشگری ۱۸۰ نفره یا حتی بعضاً با دو فروند هواپیمای مسافری با خود به سفر نیویورک یا دیگر کشورها می بردند که در زمره صفحات ننگین در تاریخ ایران است و بی گمان مانند سفرهای شاهان قاجار اوراق تلخ و مضحک سفر های خارجی روسای جمهور ایران را تشکیل خواهند داد.

به نظر می رسد ایران اکنون به ماهیت روابط بین الملل و اهمیت آن بیشتر پی برده و به دنبال تقویت یک سیاست واقع‌گرایانه با جهان است لذا حرکت موفقیت آمیز در این مسیر مستلزم داشتن یک وزارت خارجه قدرتمند و مقتدر با دیپلمات‌های مجرب و متخصص است. از این رو به عنوان دیپلماتی که ۳۵ سال سابقه کار در کارنامه خود دارم و نسبت به این نهاد بسیار مهم و منافع ملی ایران تعصب ویژه دارم، پیشنهادهایی برای تقویت وزارت امور خارجه عنوان می کنم تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. نصیحتی کنمت بشنو و بهانه مگیر/ هرآنچه ناصح مشفق بگویدت بپذیر

۱- توجه ویژه به این وزارت خانه در حوزه های مختلف برای حرفه ای کردن بیش از پیش این نهاد حاکمیتی.

۲. تأمین و تجهیز کمی و کیفی کادر وزارت خارجه. به دلایل مختلف از جمله موارد فوق و عدم تناسب نیروهای خروجی و ورودی اکنون بین سرداران و سربازان این نهاد فاصله و شکاف است که باید ترمیم شود.

۳. رعایت شایسته سالاری و قانونمند کردن و رعایت اساسنامه وزارت خارجه به منظور حفظ حقوق پرسنل.

۴. اقتصادی محور کردن وزارت خارجه با تأمین کادر متخصص در امور اقتصادی. متأسفانه در گذشته اقتصادی اندیشیدن تشویق نمی شد و حتی بعضاً از نظر برخی مدیران مذموم هم بود؛ در حالی که برخی کشورها حتی عنوان «وزارت خارجه و روابط اقتصادی» را استفاده می کنند.

۵. رسیدگی به امور معیشتی پرسنل وزارت خارجه. دیپلمات‌های وزارت خارجه باید به لحاظ امکانات مادی در چنان سطحی نباشند که حسرت دیپلمات‌های خارجی را بخورند. بدیهی است دیپلمات که از نظر مالی تأمین باشد بدون دغدغه با عشق به وظیفه خود عمل می کند. همانگونه که هر لغزش پرسنل

وزارت خارجه لطمات شدیدی به کشور وارد می کند عملکرد مثبت او نیز منافع حیاتی را برای کشور تامین می کند. متأسفانه در داخل کشور گاه با دیدگاهی تنگ و حسودانه به کارکنان وزارت خارجه و «فوق العاده ارزی» آنها نگرسته می شود و با محاسبه بازاری، نتیجه ای غیر واقعی از آن گرفته می شود. غافل از اینکه دیپلمات در خارج از کشور هزینه ارزی دارد و بعضاً با احتساب مخارج تحصیل فرزندان، حتی بدون پس انداز به کشور مراجعت می کند. امروز شاید خیلی ها واقف نباشند که حقوق و مزایای پرسنل وزارت خارجه در داخل کشور با بسیاری از نهاد ها قابل مقایسه نباشد و احتمالاً تنها از وزارت آموزش و پرورش کمی بالاتر است .

۶- ارتقای جایگاه وزارت خارجه. وزارت خارجه در همه کشورها از جایگاه رفیع بعد از ریاست جمهوری و نخست وزیری برخوردار است. شایان ذکر است که هرگونه امور مربوط به روابط خارجی در حیطه وزارت خارجه است، متأسفانه در ایران برخی نهادها، برخی پرونده ها و موارد در حیطه وزارت خارجه را از آن گرفته اند. در هیچ کجای دنیا سیاست خارجی به نظامی و امنیتی سپرده نمی شود، بلکه در چارچوب همبستگی دیپلماسی و میدان، نیروهای نظامی و امنیتی پشت اهداف سیاست خارجی که متولی آن وزارت خارجه است قرار می گیرند .

۷- اختیار دادن به وزارت خارجه برای تامین منافع ملی. وزارت خارجه تولید و تأمین امنیت ملی و مقابله با تهدیدات امنیت ملی با کمترین هزینه را به عهده دارد. هرزمان که دیپلمات ها به بن بست می رسند و شکست می خورند توپها به عرش در می آیند .

۸- توانمند سازی نیروهای وزارت خارجه به لحاظ مالی و منزلتی و ایجاد جاذبه برای الحاق به این نهاد. به نظر می رسد اکنون در اثر بی جذابیتی حتی فرزندان کادر وزارت خارجه کمتر تمایل به الحاق به این نهاد هستند زیرا از نزدیک شاهد کمبودها و محدودیت های این نهاد هستند.

۹- ضرورت تبدیل نیازهای وزارت خارجه از سنتی به مدرن و روزآمد که الزامات خاص خود را می طلبد.

۱۰- آسیب شناسی و ایجاد ساختار جدید و پویا با ایجاد انگیزه برای ترفیع در بین دیپلمات ها و دور شدن از روشهای مدیریتی منسوخ و فرسوده قبیله ای سابق.

در گذشته به علت اهمیت تابعیت، این امر صرفاً به وزارت خارجه سپرده شده زیرا یک فرد خارجی با کسب تابعیت می تواند وارد عرصه سیاست خارجی شود. طی سالهای گذشته با اعمال فشار از نهادها و شخصیت ها به وزارت خارجه، شکافی در این حوزه ایجاد شده که باید به شدت از گسترش آن جلوگیری به عمل آید. اختلاف سلیقه های داخلی نسبت به افغانها عملاً کشور را با بحران مواجه ساخته است در حالی که اگر محور وزارت خارجه بود با توجه به تجربه جهانی از وقوع چنین بحرانی جلوگیری می شد . اکنون صدای تشکیل سازمان ملی مهاجرت به گوش می رسد، در حالی که حراست و مراقبت از حقوق مهاجران و استفاده از آنها مخصوصاً تجار و جامعه ایرانیان خارج از کشور در حیطه اختیار وزارت خارجه است. در خیلی از کشورها وزارت خارجه حتی در زمان بازنشستگی نیز پیوند با دیپلمات های خود را نادیده نمی گیرد و از این نیروها در گروه های مخصوص تبادل فکر و اندیشه و اندیشکده ها استفاده می کنند. به یاد دارم در مأموریت در برزیل شاهد بودم که نهادهای دولتی و حتی شرکتهای خصوصی در بخش بین الملل خود از دیپلمات های بازنشسته استفاده می کردند. طبیعی است این امر روابط خارجی این نهادها و شرکتها را در اثر تعامل با وزارت خارجه تسهیل و تعجیل می کند.

پیشنهاد می شود با وجود دفتر مطالعات سیاسی، وزارت خارجه با کمک های مختلف نسبت به تشکیل گروههای فکری با حضور دیپلمات های بازنشسته اقدامات لازم را انجام داده و با ایجاد زمینه رقابت به شکوفایی این اندیشکده ها همت گمارد. بدیهی است در اثر این تعامل بیشترین بهره وری عاید وزارت خارجه و در نهایت منافع ملی ایران می شود.

دیپلمات ها، پیاده نظام های یک کشور در صحنه شطرنج جنگ گونه جهانی به حساب می آیند و به عنوان یک سرمایه ملی محسوب می شوند. این کارکرد مهم وظیفه وزارت خارجه و دیگر نهادها را در جهت بهره وری از این سرمایه دوچندان می کند. بدین ترتیب مسئولیت وزارت خارجه در فراهم کردن امکانات مادی و معنوی از جمله آموزش و تامین کادر مجرب و متخصص از طرق شفاف بدور از رانت و سفارش های قبیله ای مثلاً پذیرش نخبگان رشته های مطلوب دانشگاهی و تأمین مالی و منزلتی آنها، همزمان هم افزایشی و کمک و همراهی نهادهای مربوطه از ریاست جمهوری، وزارت دارایی، امور استخدامی، برنامه و بودجه و مجلس شورای اسلامی و دیگر نهادها می تواند به ایجاد یک وزارت خارجه مقتدر، متخصص و توانا در تامین منافع ملی در مجامع جهانی منجر شود.